

تحلیل مقایسه‌ای معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران

مجید فولادیان^{*۱}

سیدضیاء هاشمی^۲

محمود تیموری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

چکیده

مطابق نظریات حوزه همسرگزینی و نتایج تحقیقات متعدد گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران، در حال تجربه تغییرات سریع ارزش‌های همسرگزینی از سنتی به مدرن و از روش‌های ساده و بسیط به شیوه‌های پیچیده و متنوع همسرگزینی هستند. لذا شناخت معیارهای جدید همسرگزینی و مقایسه آن‌ها با معیارهای قبل حائز اهمیت فراوان است. بدین منظور، پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران نگاشته شده است. روش تحقیق حاضر، پیمایش و جامعه آماری آن شامل افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله خانوارهای شهری و روستایی ساکن در کل کشور است، حجم نمونه آماری شامل پنج‌هزار نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که از بین معیارهای همسرگزینی، به ترتیب ویژگی‌های شخصیتی (۸۴/۲۹ درصد)، ویژگی‌های عاطفی - روانی (۸۰/۸۲ درصد) و ویژگی‌های مذهبی (۷۷/۸۱ درصد) دارای بیشترین میزان اهمیت در ایران هستند. نتایج آزمون فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، قومیت، شیوه همسرگزینی و تقید مذهبی با معیارهای همسرگزینی رابطه معنادار دارد، هرچند شدت و ضعف این روابط در میان زنان و مردان متفاوت است. لذا این نتایج بیانگر تفاوت در معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران است.

کلید واژه‌ها: نهاد خانواده، ازدواج، معیارهای همسرگزینی، گروه‌های اجتماعی، جامعه معاصر ایران.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد

Email: fouladiyan@um.ac.ir

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه و بیان مسئله

تغییرات و دگرگون‌ها در نهاد خانواده و ازدواج در طول مسیر توسعه گسترده است و نمی‌توان آن‌ها جدا از تغییرات بزرگ‌تری که در عصر مدرن رخ می‌دهد درک کرد (مورو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ گرینوود^۲ و همکاران، ۲۰۰۳، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۶؛ مینگولا^۳، ۲۰۱۱). همه این تغییرات در نقطه مشترکی با هم تلاقی می‌کنند که عبارتند از: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب‌یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر (گود^۴، ۱۹۶۳: ۵۷). از سوی دیگر می‌بایست به ارتباط یک جامعه با جوامع دیگر و شرایطی که در فرایند نوسازی و جهانی شدن در حال وقوع است توجه کرد به طوری که جوامع سرتاسر دنیا با مجموعه مسائل مشابهی در دگرگونی زندگی خانوادگی مواجه می‌باشند. زوال شکل‌های سنتی خانوادگی هم بازتابی از توسعه جوامع و جهانی شدن است و هم عامل مهمی در فرایند جهانی شدن. به هر حال این وضعیت که اکثر ما چه مخالف این تغییرات باشیم و چه موافق آن اکنون زیاد درباره آن می‌اندیشیم نشانه دگرگونی بنیادین است که طی همین چند دهه گذشته بر زندگی شخصی و عاطفی ما مؤثر بوده است (گیدنز، ۱۹۹۹: ۲۵۱). همزمان با تحولاتی که در نهاد خانواده و ازدواج در جهان در حال وقوع است، گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه ایران نیز تحولات محسوسی را در این زمینه تجربه کرده است از جمله آن می‌توان به تغییر و دگرگونی در اولویت‌های ارزشی تشکیل خانواده و ازدواج اشاره کرد (جونز^۵، ۲۰۱۰). گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه‌ی در حال تحول و گذار ایران، از نظر فرهنگی در حال تجربه تغییرات سریع معیارهای همسرگزینی^۶ از ملاک‌های سنتی به مدرن و از شیوه‌های بسیط به روش‌های پیچیده و متنوع همسریابی است. با وجود تداوم نقش عناصر فرهنگی گذشته و تأثیر پایدار ارزش‌های مذهبی بر نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی ایرانیان طی سالیان اخیر معیارهای همسرگزینی گروه‌های اجتماعی به‌طور محسوسی دگرگون شده است. سنت‌های قدیم ازدواج اکثراً در حال فروپاشی و دگرگون شدن به سمت معیارهای جوامع پیشرفته است؛ به‌جای آنکه ازدواج مانند قبل یک کار جمعی، خانوادگی و مشارکتی با مسئولیت جمع باشد گاه به تصمیم‌گیری فردی جوانان و انتخاب شخصی‌شان بدل شده

1. Moro
2. Greenwood
3. Minguela
4. Goode
5. Jones
6. mate.selection

است. علاوه بر عدم شفافیت ارزش‌ها و هنجارها در انتخاب همسر، لازم است به دغدغه‌های ساختاری و اجتماعی اشاره شود که اجمالاً می‌بایست به تغییرات جمعیتی ناشی از انبوه متولدین سال‌های اولیه انقلاب، مسئله جنگ تحمیلی و بحران اقتصادی رکود و بیکاری جوانان (حتی پس از اتمام تحصیلات) و بالا رفتن سن ازدواج و ایجاد تأخیر در آن به دلیل مضیقه‌های موجود، اشاره کرد (عباسی شوازی^۱ و همکاران، ۲۰۰۳، ۲۰۰۸؛ سرایی، ۱۳۸۵؛ محمودیان و دراهکی، ۱۳۹۱؛ دراهکی و محمودیان، ۱۳۹۱؛ سرایی و اوجاقلو، ۱۳۹۲؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ رزاقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶). با این شرایط واضح است که با گذشت زمان الگوی ازدواج و همسرگزینی گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه ایران در حال تغییر است. پدیده‌ای که مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن مؤثر بوده‌اند، تفاوتی چشمگیر که با تحول جامعه از یک ساختار سنتی عمدتاً با فعالیت غالب کشاورزی به ساختاری نسبتاً مدرن با شیوه غالب خدمات امکان پذیر شده است (تحلیلی بر ویژگی‌های ازدواج در ایران، ۱۳۸۳: ۲۲). بنابراین درک تفاوت‌های معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران برای شناخت تغییرات در ساختار خانواده و تشکیل خانواده بسیار مهم است، زیرا که معیارهای همسرگزینی گروه‌های مختلف اجتماعی، به‌عنوان سنگ بنای اولیه تشکیل خانواده تحت تأثیر تغییر و تحولات ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیرامون خود دگرگون شده است (گبل و هین^۲، ۲۰۱۶). با این نگرش نظری، به مقایسه‌ی معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه ایران خواهیم پرداخت. سؤال اصلی تحقیق این است که همگام با تغییر و تحولات ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه ایران چه تفاوت‌هایی دارد؟ به‌عبارت‌دیگر به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های معیارهای انتخاب همسر در بین گروه‌های مختلف اجتماعی خواهیم پرداخت.

۲. چارچوب نظری

نظریه‌های با رویکرد ساختاری، تحولات خانواده و ازدواج را به‌عنوان سازوکاری نظام‌اند همراه با تغییرات نظام اجتماعی پیرامون در نظر می‌گیرند. رهیافت اساسی در این رویکرد نظریه نوسازی^۳ است. بنابر نظریه نوسازی، فرایند نوسازی با ترجیح فردمحوری در مقابل خانواده

1. Abbasi & Shavazi

2. Gebel & Heyne

3. Modernization

محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات و شهرنشینی، تشکیل خانواده و ازدواج با انتخاب آزاد را تشویق می‌کند. به عقیده‌ی طرفداران این نظریه، فرایند نوسازی یک نوع شیوه‌ی زندگی و فکری را به وجود می‌آورد که سرنوشت و خانواده‌گرایی را تضعیف کرده و آینده‌نگری و آمال و آرزوی زندگی مرفه‌تر را در انسان تقویت می‌کند. مطالعات متعددی که در این زمینه انجام شده است بر این مفاهیم نوسازی تأکید دارد (منش^۱ و همکاران، ۲۰۰۵؛ نای‌پنگ^۲، ۲۰۰۷؛ جنسن و تورنتون^۳، ۲۰۰۳؛ کویسامینگ و هالمن^۴، ۲۰۰۵؛ حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰). این تئوری با تأکید بر تغییرات ساختی انتقال از اقتصاد کشاورزی سنتی به اقتصاد صنعتی، تحولات ازدواج و مسائل ناشی از آن را با تغییرات ساختاری در جامعه به جهت ظهور نیروهای اجتماعی نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، گسترش آموزش، استفاده انبوه از رسانه‌های گروهی، توسعه حمل‌ونقل و ... مرتبط می‌سازد (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴). گود (۱۹۶۳) از جمله نظریه‌پردازان اصلی این رویکرد معتقد است که تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سرانجام به سمت مدل جهان‌شمول خانواده غربی با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای شدن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالاتر، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش می‌رود.

علیرغم اهمیت رویکرد نوسازی در تبیین تحولات ازدواج و خانواده، شواهد متعددی از نیمه دوم قرن بیستم نشان می‌دهد که چارچوب نوسازی و تغییرات ساختاری مرتبط با آن برای درک فرایند ازدواج کافی نیست و می‌بایست به نقش عوامل فرهنگی و ارزشی نیز توجه شود. در این راستا کاسترلین^۵ و همکاران (۱۹۸۶) بر تغییر نظام معنایی و افزایش فردگرایی سکولار و نوآوری رفتاری و پویایی، به‌عنوان نیروی مهم و تأثیرگذار بر تغییرات ارزشی و رفتاری خانواده تأکید می‌کند (تورنتون^۶، ۲۰۰۱). نظریه‌گذار دوم جمعیتی^۷ (لستاووک^۸، ۱۹۹۵؛ ون‌دکاکا^۹، ۱۹۸۷ و ۲۰۰۱) یکی از چارچوب‌هایی است که عمدتاً بر تحلیل روند تحولات خانواده در کشورهای پیشرفته صنعتی پس از جنگ جهانی دوم مطرح گردید. این

1. Menesh
2. Nai Peng
3. Jensen & Thornton
4. Quisumbing & Hallman
5. Casterline
6. Thornton
7. Second Demographic Transition
8. Lesthaeghe
9. Van de Kaa

نظریه تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌هایی پست‌ماتریالیستی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند. همچنین در مورد کشورهای غیرغربی، اگرچه توسعه اقتصادی با تغییر برخی ویژگی‌های این جوامع همچون تخصصی‌شدن مشاغل، افزایش سطوح تحصیلی، کاهش سطح باروری، تغییر نگرش نسبت به نقش جوانان و زنان و غیره همراه بوده است، اما تداوم بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی به‌اصطلاح سنتی در این جوامع می‌تواند بر این نکته تأکید نماید که «مدرنیزاسیون احتمالی است، نه جبری. توسعه اقتصادی به تغییر یک جامعه خاص در جهتی قابل پیش‌بینی منجر می‌گردد، اما فرایند و مسیر حتمی نیستند. بسیاری از عوامل دخالت دارند، بنابراین هر پیش‌بینی باید براساس زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد بررسی انجام گیرد» (اینگلهارت و بیکر^۱، ۲۰۰۰: ۴۹). مطالعات متعددی در این زمینه تحولات خانواده در ایران را تأیید کرده‌اند. عباسی شوازی و مک‌دونالد^۲ (۲۰۰۸) بر نقش مسلط نهادی جامعه در تغییر الگوهای خانواده تأکید نموده‌اند. در تبیین تغییر و تحولات ایده‌ها و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت (۱۹۹۰) بسیار مفید و حائز اهمیت است. طبق این نظریه تحولاتی از قبیل فرامادی‌گرایی در نهاد خانواده، موجب تغییر اولویت‌های ارزشی دلبستگی‌های مادی پیرامون امنیت اقتصادی و جانی، به‌سوی تأکید بیشتر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی است. فرامادی‌گرایی ارزش‌های مربوط به خانواده و ازدواج را تغییر می‌دهد و منجر به این می‌شود که افراد به خانواده و ازدواج، دیگر نه به‌منزله‌ی نهادی سنتی، بلکه به‌منزله‌ی نهادی مدرن و جایی که در آن برابری جنیستی و ابراز عقیده اتفاق می‌افتد، نگاه کنند. یافته‌های عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد دختران مورد مطالعه، از ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری نسبت به مادران خود برخوردارند. چنین تفاوت‌های بین نسلی در نگرش‌های ازدواج می‌تواند هم ناشی از تغییر ایده‌ای و هم ناشی از تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله آموزش، اشتغال و خاستگاه شهری باشد. طبق نظریه‌ی دگرگونی ارزشی جایگزینی جمعیت نسل جدید به‌تدریج به جابه‌جایی بلندمدت ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر شود (اینگلهارت و آبرامسون^۳، ۱۹۹۴).

به‌دلیل پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی، از جمله ازدواج، سعی بر آن شده است که از نظریه‌های متفاوت برای تبیین فرایند دگرگونی‌های همسرگزینی استفاده شود و با گزینش

1. Inglehart & Baker

2. McDonald

3. Abramson

بهینه‌ی نظریه‌های مرتبط و مناسب با موضوع، به تبیین بهتر از این پدیده دست یافت؛ بنابراین با استفاده از نظریات نوسازی، گذار دوم جمعیتی و دگرگونی‌های ارزشی، می‌توان فرضیه‌های تحقیق در باب تأثیر شیوه‌های مدرن و سنتی همسرگزینی و تقید مذهبی کم، متوسط و زیاد افراد بر معیارهای همسرگزینی را مطرح کرد. همچنین بخشی از فرضیات تحقیق در باب تأثیر جنسیت، تأهل، تحصیلات، قومیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر معیارهای همسرگزینی، براساس دو رویکرد کلی نظریات فمینیستی و رویکرد مارکسیستی - وبری ارائه شده است. نظریات فمینیستی بر ضرورت توجه به متغیر جنسیت فراتر از یک متغیر زمینه‌ای صرف تأکید می‌کنند. این در حالی است رویکردهای کلاسیک‌تر جامعه‌شناختی مانند رویکرد مارکسیستی - وبری بر تأثیر نژاد، قوم و طبقه افراد بر ارزش‌ها و نگرش‌های ایشان متمرکز می‌شوند. در مورد فرضیه مربوط به جنسیت، عمده مباحث مربوط به شرایط خاص جامعه ایران در سال‌های اخیر است، چراکه طی این سال‌ها ورود فزاینده دختران به دانشگاه‌ها، بازار کار و کلاً به حوزه عمومی اجتماع نگرش‌های آنان را در باب بسیاری امور از جمله ازدواج، همسرگزینی و نقش‌های زنان در خانواده متفاوت از گذشته ساخته است. در واقع بالا رفتن آگاهی اجتماعی آن‌ها به واسطه ورود به دانشگاه و همچنین قرار گرفتن آن‌ها در وضعیت‌های جدیدی مانند بازار کار و حوزه عمومی در جامعه، زنان را با نقش‌های جدید و متفاوت از نقش‌های سنتی و همچنین وضعیت‌های ممکن دیگر در حیات اجتماعی آشنا ساخته است. براساس اندیشه‌ی کارول (۲۰۱۱) و کارول و همکاران (۲۰۱۲) شباهت‌ها و تفاوت‌های زنان و مردان تحت تأثیر خصوصیات فردی و اجتماعی است که مردان و زنان با توجه به آن معیارهای همسرگزینی را برمی‌گزینند. مردان بیشتر به دنبال معیارهای جسمانی و زنان به دنبال معیارهای اجتماعی - اقتصادی هستند. در حالی که ارزش‌های فرهنگی جامعه به ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که برای هم مردان و هم زنان حائز اهمیت هستند. معیارهای مرتبط به شخصیت، خانواده و مذهب که ناشی از الگوها و ارزش‌های خاص هر جامعه است، اشتراک جنسیتی بیشتری دارد و افراد از آن‌ها در معیارهای همسرگزینی خود بهره می‌برند. به اعتقاد کارول (۲۰۱۱) و کارول و همکاران (۲۰۱۲)، تأکید بر روی معیارهای درونی در بین زنان و مردان دیده می‌شود، اما در معیارهای بیرونی تفاوت‌های بیشتری قابل مشاهده است. همچنین تفاوت قومیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ای که افراد در آن به دنیا آمده و دوران جامعه‌پذیری خود را در آن گذرانده‌اند، تفاوت معنادار در معیارهای همسرگزینی آن‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند، از نظر رویکردهای عمدتاً مارکسیستی، طبقه اجتماعی افراد عاملی مؤثر در شکل‌دهی فرهنگ، ارزش‌ها و

نگرش‌های آن‌هاست. پایگاه اقتصادی - اجتماعی حامل مؤلفه‌هایی فراتر از درآمد صرف افراد است و غالباً متأثر از نگرش وبری، منزلت اجتماعی شامل تحصیلات و منزلت شغلی را نیز شامل می‌شود. نظریات بوردیو^۱ (۱۹۸۴: ۵۶) در باب شکل‌گیری عادت‌واره (تمایلات شخصی) شاید جدیدترین نظریه از این قبیل نظریات باشد مبنی بر این‌که شکل‌گیری عادت‌واره اساساً در خانواده اتفاق می‌افتد که به آن عادت‌واره‌ی خانوادگی می‌گوییم؛ اما برای بوردیو مهم‌ترین مسئله در شکل‌گیری عادت‌واره، تحصیلات است. از نظر بوردیو تجمع سرمایه‌ی فرهنگی در حالت متجسد (عادت‌واره)، به معنی حالتی است که در آن فرهنگ و تحصیلات درونی می‌شود و تمایلات افراد را شکل می‌دهد (لودر^۲ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰۷). همچنین فرضیه جانبی تحقیق مبنی بر تأثیر سن بر معیارهای همسرگزینی، عمدتاً بر پایه دیدگاه‌های بوردیو (۱۹۸۴) استوار شده است بدین‌صورت که عادت‌واره افراد (تمایلات شخصی) فقط می‌تواند با گذشت زمان حاصل شود، در حقیقت گذشت زمان پیش‌فرض گرفته می‌شود (لودر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰۵). براساس تأثیر سن بر معیارهای همسرگزینی، هرچه سن فرد کمتر باشد اولویت معیار عشق و علاقه شخصی در او بیشتر است. این در حالی است که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، آینده‌نگری آن‌ها افزایش یافته و به معیارهای گسترده‌تری از جمله پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد موردنظر برای ازدواج توجه بیشتری می‌نمایند. بیان تئوریک این تغییرات بر حسب سن انسان در بسیاری نظریات روان‌شناختی تشریح شده است و در زمینه جامعه‌شناختی نیز نظریه چرخه زندگی رایج‌ترین نظریه در زمینه این مسئله است بدین‌معنا که افراد در سنین مختلف عمر خود تشابهاتی را در زمینه نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و همچنین رفتارها با یکدیگر نشان می‌دهند (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲؛ کفاشی و سرآبادانی، ۱۳۹۳). بر مبنای چارچوب نظری پژوهش، یافته‌های پژوهش‌های پیشین و در نهایت تجربه و مشاهده‌ی روزمره محققان، فرضیات پژوهش حاضر را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی نمود:

- ۱- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی بر حسب گروه‌های سنی، تفاوت معنادار دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی بر حسب گروه‌های جنسی زن و مرد، تفاوت معنادار دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی بر حسب وضعیت تأهل، تفاوت معنادار دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی بر حسب گروه‌های تحصیلی، تفاوت معنادار دارد.

1. Bourdieu

2. Lauder

۵- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تفاوت معنادار دارد.

۶- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های قومی، تفاوت معنادار دارد.

۷- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه سنتی و مدرن همسرگزینی تفاوت معنادار دارد.

۸- به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های مذهبی، تفاوت معنادار دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر^۱، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها «پرسشنامه محقق‌ساخته» است. برای استانداردسازی ابزار اندازه‌گیری، توجه به قابلیت اعتماد آن از اهمیت خاصی برخوردار است. بدین منظور از تکنیک آلفای کرونباخ^۲ استفاده شد. جامعه آماری نیز شامل، افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله خانوارهای شهری و روستایی ساکن در کل کشور است. با توجه به عوامل مختلف و امکانات تصمیم گرفته شد ۵۰۰۰ فرد ۱۵ تا ۶۵ ساله به‌عنوان نمونه آماری مورد آزمون قرار گیرند. برای دستیابی به هدف این پیمایش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. لذا تلاش شد که با حفظ نمایایی (معرف بودن) نمونه، شیوه انتخاب استان‌های مورد مطالعه به‌گونه‌ای باشد که ابتدا استان‌ها از حیث متغیرهای تأثیرگذار و کلیدی مانند جمعیت، قومیت، سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی و مشابهت ارزشی (استخراج شده از پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان) خوشه‌بندی شده و سپس از هر کدام از خوشه‌ها (که شامل استان‌های همگن از حیث متغیرهای بالاست) یک استان انتخاب گردد. با استفاده از این روش براساس شاخص‌های مذکور (هرکدام از شاخص‌ها برای استان‌ها یک بردار با سی مؤلفه را تشکیل می‌دهد) خوشه‌ها تعیین و در هر خوشه، یک استان انتخاب شد. این استان‌ها شامل گیلان (۷۲۰ نفر)، خوزستان (۷۰۰ نفر)، سیستان و بلوچستان (۷۲۰ نفر)، خراسان رضوی (۹۲۰ نفر) و کرمانشاه (۷۲۰ نفر) است. علاوه بر این‌ها استان تهران (۱۲۲۰ نفر) به دلیل اهمیت خاص آن به‌صورت عمدی در نمونه قرار گرفت. در مرحله بعد در هر شهر و روستا چندین بلوک انتخاب شد و با توجه به جنبه‌های فنی

۱. مقاله حاضر حاضر از طرح ملی «ملاک‌های همسرگزینی در جامعه معاصر ایران و بررسی تحولات آینده و پیامدهای آن» استخراج شده است. این پژوهش در سال ۱۳۹۰ به سفارش سازمان ملی جوانان توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شده است.

2. Cronbach alpha

پژوهش و برآورد واریانس درون بلوکی^۱ و بین بلوکی^۲ در داخل هر بلوک پنج خانوار انتخاب گردید. برای انتخاب بلوک‌ها به روش نمونه‌گیری با احتمال‌های نابرابر با نمونه‌گیری با احتمال‌های متناسب و به روش معروف "رائو-هارتلی-کوکران" انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها با نرم‌افزار SPSS صورت گرفت که با استفاده از این نرم‌افزار، تحلیل‌های آماری در سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از شاخص‌ها، جداول، نمودارها و نیز آزمون‌های مختلف آماری انجام شد.

۴. یافته‌های توصیفی

معیارهای همسرگزینی در قالب این سؤال که «در انتخاب همسر خود تا چه میزان ملاک‌های زیر برای‌تان اهمیت دارد/داشته است؟» مطرح شدند که در ادامه به آن می‌پردازیم. با توجه به یافته‌های توصیفی پژوهش (جدول ۱)، خصوصیات ظاهری از معیارهای همسرگزینی، به ترتیب اهمیت از نظر پاسخگویان بر مفاهیمی از قبیل؛ سلامت جسمانی، آراستگی ظاهری، خوش‌اندام بودن و در نهایت زیبا بودن، متمرکز است. ترکیب گویه‌های مذکور در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که به‌طور کلی خصوصیات ظاهری برای ۳/۵ درصد پاسخگویان کم‌اهمیت، برای ۴۵/۶ درصد متوسط و برای ۵۰/۹ درصد مهم است. ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، به ترتیب اهمیت برای پاسخگویان بر مفاهیمی از قبیل «اعتیاد نداشتن، عدم رابطه جنسی در گذشته با جنس مخالف، عدم دوستی در گذشته با جنس مخالف، خوش‌ معاشرت بودن، داشتن اشتراکات فرهنگی، حرف همسر را به حرف خانواده‌اش ترجیح دهد، فاصله سنی مناسب، نوع شغل، تحصیلات بالا داشتن، رشته تحصیلی همسر، تفاهم داشتن در دیدگاه‌های سیاسی، شغل پدر و مادر همسر و تحصیلات پدر و مادر همسر» متمرکز است. نکته قابل‌توجه این است که حدود ۱۸ درصد از پاسخگویان عدم دوستی همسر پیش از ازدواج برایشان کم‌اهمیت است و بیش از ۱۰ درصد هم داشتن رابطه جنسی پیش از ازدواج همسرشان برایشان کم‌اهمیت است، که این نتایج با توجه به نتایج تحقیقات گذشته و فرهنگ ایرانی، نشان از تغییراتی در این معیارها دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که برای ۳ درصد پاسخگویان ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی در انتخاب همسر کم‌اهمیت، ۶۱/۲ درصد متوسط و برای ۳۵/۸ درصد مهم است.

1. Within block
2. Between block

ویژگی‌های شخصیتی، به ترتیب اهمیت برای پاسخگویان بر مفاهیمی از قبیل «صداقت، عفت و پاکدامنی، قابل اعتماد بودن، باگذشت بودن، منطقی بودن، منظم بودن، لجباز نبودن، سخاوتمند بودن، متواضع بودن، شجاع بودن و کم‌توقعی» اشاره دارد. همچنین ویژگی‌های شخصیتی برای ۰/۵ درصد پاسخگویان کم‌اهمیت، برای ۱۲ درصد در حد متوسط و برای ۸۷/۵ درصد مهم است.

ویژگی‌های روانی- عاطفی، به ترتیب اهمیت برای پاسخگویان شامل «خوش خلق بودن، اعتمادبه‌نفس داشتن، خوش معاشرت بودن، آرام بودن و وجود عشق و علاقه قبل از ازدواج» است. لازم به ذکر است مردان بیشتر از زنان به وجود عشق و علاقه پیش از ازدواج اهمیت می‌دهند. همچنین ویژگی‌های روانی- عاطفی در انتخاب همسر برای ۰/۸ درصد پاسخگویان کم‌اهمیت، برای ۲۳/۳ درصد در حد متوسط و برای ۷۵/۹ درصد مهم بوده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی مقیاس ویژگی‌های ظاهری، اجتماعی- فرهنگی، شخصیتی و روانی- عاطفی

گزینه‌ها	جنس	ویژگی‌های ظاهری		ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی		ویژگی‌های شخصیتی		ویژگی‌های روانی- عاطفی	
		درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی
کم‌اهمیت	مرد	۳	۷۱	۳	۷۰	۶	۱۱	۰,۵	۰,۵
	زن	۴	۱۰۵	۳	۸۰	۱۷	۲۹	۱,۱	۱,۱
	کل	۳,۵	۱۷۶	۳	۱۵۰	۲۳	۴۰	۰,۸	۰,۸
متوسط	مرد	۴۱,۵	۹۶۹	۶۵,۸	۱۵۴۰	۲۹۰	۵۶۹	۲۴,۳	۲۴,۳
	زن	۴۹,۲	۱۳۰۹	۵۷,۱	۱۵۱۹	۳۱۱	۵۹۷	۲۲,۵	۲۲,۵
	کل	۴۵,۶	۲۲۷۸	۶۱,۲	۳۰۵۹	۶۰۱	۱۱۶۶	۲۳,۳	۲۳,۳
مهم	مرد	۵۵,۵	۱۲۹۸	۳۱,۲	۷۲۹	۲۰۴۳	۱۷۵۹	۷۵,۲	۷۵,۲
	زن	۴۶,۸	۱۲۴۴	۳۹,۸	۱۰۵۹	۲۳۳۰	۲۰۳۲	۷۶,۴	۷۶,۴
	کل	۵۰,۹	۲۵۴۲	۳۵,۸	۱۷۸۸	۴۳۷۳	۳۷۹۱	۷۵,۹	۷۵,۹
جمع	مرد	۱۰۰	۲۳۳۸	۱۰۰	۲۳۳۹	۲۳۳۹	۲۳۳۹	۱۰۰	۲۳۳۹
	زن	۱۰۰	۲۶۵۸	۱۰۰	۲۶۵۸	۲۶۵۸	۲۶۵۸	۱۰۰	۲۶۵۸
	کل	۱۰۰	۴۹۹۶	۱۰۰	۴۹۹۷	۴۹۹۷	۴۹۹۷	۱۰۰	۴۹۹۶
آماره‌های مقیاس	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
میانگین مقیاس	۷۳,۵۷	۶۹,۰۱	۶۱,۲۳	۶۳,۷۶	۸۴,۰۷	۸۴,۴۹	۸۰,۸۲	۸۰,۸۳	۸۰,۸۳
انحراف معیار	۱۸,۶۸	۱۸,۷۲	۱۳,۷۷	۱۴,۳۶	۱۳,۰۲	۱۴,۰۳	۱۴,۰۷	۱۵,۱	۱۵,۱
ضریب روایی ^۱	۰,۷۵۶۰	۰,۷۱۹۵	۰,۸۴۹۴	۰,۶۵۵۶					

۱. برای محاسبه ضریب روایی (Reliability) از روش آلفای کرونباخ (Cronbach Alpha method) استفاده شده است.

در ادامه مباحث مربوط به یافته‌های توصیفی در قالب جدول دو، مقیاس‌های موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی بررسی شد. جهت‌گیری مفهومی گویه‌های موقعیت اقتصادی به ترتیب اولویت شامل «شغل ثابت داشتن، دارا بودن مسکن مستقل، مهریه، درآمد همسر، استقلال مالی شوهر/ کدبانو بودن خانم و درآمد پدر همسر» می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت نگرش نسبت به معیارهای همسرگزینی در میان زنان و مردان در «بعد اقتصادی» است. زنان نسبت به مردان به داشتن شغل ثابت، دارا بودن مسکن مستقل و سطح درآمد همسرانشان اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر برای بیش از ۱۷/۳ درصد پاسخگویان کم‌اهمیت، برای ۵۵ درصد در حد متوسط و برای ۲۷/۷ درصد مهم است.

ویژگی‌های مذهبی، به ترتیب اهمیت در نظر پاسخگویان شامل «مصرف نکردن مشروبات الکلی، وفاداری به همسر، اختصاص دادن زیبایی برای همسر/ باغیرت بودن، نماز خواندن و روزه گرفتن، اعتقاد به ضرورت حجاب داشتن، اهل تلاوت قرآن بودن» است. همچنین ویژگی‌های مذهبی در انتخاب همسر برای ۳/۵ درصد پاسخگویان کم‌اهمیت، برای بیش از ۲۴/۲ درصد متوسط و برای ۷۲/۳ درصد مهم است.

جهت‌گیری مفهومی ویژگی‌های جغرافیایی شامل «همسایگی» و «نوع نسبت با همسر» است. ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر برای بیش از ۵۸/۴ درصد پاسخگویان کم‌اهمیت، برای ۳۳/۶ درصد متوسط و برای ۸ درصد مهم است.

لازم به ذکر است طبق نتایج توصیفی پژوهش (جدول یک و دو)، میزان اهمیت معیارهای همسرگزینی، به ترتیب اولویت عبارت است از: ویژگی‌های شخصیتی (میانگین ۸۴/۲۹ درصد)، ویژگی‌های عاطفی - روانی (میانگین ۸۰/۸۲ درصد)، ویژگی‌های مذهبی (میانگین ۷۷/۸۱ درصد)، ویژگی‌های ظاهری (میانگین ۷۱/۱ درصد)، ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی (میانگین ۶۲/۵۷ درصد)، موقعیت اقتصادی (میانگین ۵۶/۴۶ درصد) و ویژگی‌های جغرافیایی (میانگین ۳۶/۱ درصد). همچنین این ترتیب اهمیت در بین مردان و زنان یکسان است.

جدول ۲: جدول توزیع فراوانی مقیاس‌های موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های مذهبی و جغرافیایی

گزینه‌ها	جنس	موقعیت اقتصادی		ویژگی‌های مذهبی		ویژگی‌های جغرافیایی	
		فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر
کم‌اهمیت	مرد	۶۶۴	۲۸,۴	۹۲	۳,۹	۱۳۷۴	۵۸,۸
	زن	۱۹۹	۷,۵	۸۱	۳	۱۵۴۲	۵۸
	کل	۸۶۳	۱۷,۳	۱۷۳	۳,۵	۲۹۱۶	۵۸,۴
متوسط	مرد	۱۳۱۲	۵۶,۱	۶۰۲	۲۵,۷	۷۶۴	۳۲,۷
	زن	۱۴۳۹	۵۴,۱	۶۰۷	۲۲,۸	۹۱۳	۳۴,۴
	کل	۲۷۵۱	۵۵	۱۲۰۹	۲۴,۲	۱۶۷۷	۳۳,۶
مهم	مرد	۳۶۳	۱۵,۵	۱۶۴۵	۷۰,۴	۱۹۹	۸,۵
	زن	۱۰۲۰	۳۸,۴	۱۹۷۰	۷۴,۲	۲۰۲	۷,۶
	کل	۱۳۸۳	۲۷,۷	۳۶۱۵	۷۲,۳	۴۰۱	۸
جمع	مرد	۲۳۳۹	۱۰۰	۲۳۳۹	۱۰۰	۲۳۳۷	۱۰۰
	زن	۲۶۵۸	۱۰۰	۲۶۵۸	۱۰۰	۲۶۵۷	۱۰۰
	کل	۴۹۹۷	۱۰۰	۴۹۹۷	۱۰۰	۴۹۹۷	۱۰۰
آماره‌های مقیاس		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
میانگین مقیاس		۴۸,۵۶	۶۳,۴۰	۷۷,۲۱	۷۸,۳۳	۳۵,۸۲	۳۶,۳۵
انحراف معیار		۱۹,۹۸	۱۸,۵۳	۱۹,۶۵	۱۸,۵۹	۲۶,۹۲	۲۶,۲۴
ضریب روانی		۰,۶۹۲۴		۰,۸۱۷۳		-	

۵. یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های سنی، تفاوت معنادار دارد.

براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس جدول ۳، معیارهای خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های روانی- عاطفی، موقعیت اقتصادی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین مردان با اطمینان ۹۹ درصد و احتمال خطای کمتر از ۰/۰۱ برحسب گروه‌های سنی مختلف مردان، تفاوت معنادار دارد، و تنها در معیار ویژگی‌های شخصیتی همسرگزینی در بین افراد با گروه‌های سنی مختلف مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین برای بررسی اینکه بین کدام‌یک از گروه‌های سنی اهمیت معیارهای فوق دارای تفاوت معنادار است از آزمون توکی^۱ استفاده کردیم، نتایج بیانگر آن است که:

- با افزایش سن مردان، اهمیت معیار خصوصیات ظاهری، اهمیت ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و اهمیت معیار موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر برای آن‌ها کاهش می‌یابد.

1. tukey

- اهمیت ویژگی‌های روانی- عاطفی در گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ سال در مردان کمتر از سایر گروه‌های سنی است.
- اهمیت ویژگی‌های مذهبی در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال کمتر از سایر سنین است و با افزایش سن مردان بر میزان اهمیت ویژگی‌های مذهبی در انتخاب همسر افزوده می‌شود.
- ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر در گروه‌های سنی بالا، اهمیت بیشتری دارد، بدین معنی که با افزایش سن مردان بر میزان اهمیت معیار ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر افزوده می‌شود.
- براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۳)، معیارهای همسرگزینی با اطمینان ۹۹ درصد و احتمال خطای کمتر از ۰/۰۱ در بین گروه‌های سنی مختلف زنان، تفاوت معنادار دارد، بنابراین بین سن زنان و معیارهای همسرگزینی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج آزمون توکی برای مقایسه جفتی گروه‌ها با یکدیگر عبارت است از:
 - با افزایش سن زنان، اهمیت معیار خصوصیات ظاهری در انتخاب همسر کاهش می‌یابد.
 - اهمیت معیار ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و موقعیت اقتصادی در گروه‌های سنی پایین زنان، بیشتر از سایر گروه‌ها است. به طوری که گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال زنان بیشترین اهمیت را نسبت به سنین بالاتر به معیار ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و وضع اقتصادی در انتخاب همسر می‌دهند.
 - برای بررسی اینکه بین کدام یک از گروه‌های سنی زنان اهمیت معیار ویژگی‌های شخصیتی همسرگزینی دارای تفاوت معنادار است از آزمون ال‌اس‌دی^۱ استفاده کردیم. نتایج نشان می‌دهد که اهمیت معیار ویژگی‌های شخصیتی در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ سال زنان بیشتر از سایر گروه‌ها است. همچنین طبق نتایج آزمون توکی، اهمیت معیار ویژگی‌های روانی- عاطفی در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ سال بیشتر از سایر گروه‌ها است.
 - اهمیت ویژگی‌های مذهبی نشان از تفاوت معنادار بین گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال زنان با گروه‌های سنی ۳۵ تا ۳۹ سال و ۴۰ تا ۴۴ سال دارد. لذا ویژگی‌های مذهبی در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال از ۲ گروه مذکور اهمیت کمتری دارد.
 - همچنین بین متغیر سن زنان و معیار ویژگی‌های جغرافیایی برای همسرگزینی آنان، تفاوت معناداری در بین گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال با همه گروه‌های سنی به جز ۲۰ تا ۲۴

۱. در اینجا چون آزمون tukey تفاوت معنادار بین گروه‌های سنی را نتوانست نشان دهد از آزمون LSD استفاده نمودیم.

سال مشاهده گردید. لذا اهمیت ویژگی‌های جغرافیایی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال کمتر از همه آن گروه‌ها است.

جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی بر حسب گروه سنی (به تفکیک مردان و زنان)

متغیر مستقل	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	منابع تغییر	مرد			زن		
			میانگین	درجه آزادی	F	میانگین	درجه آزادی	F
سن	خصوصیات ظاهری	بین گروهی	۱۶۴۶,۷۹۴	۹	۴,۷۸۹*	۳۴۵۸,۱۰۶	۹	۱۰,۱۵۸*
		درون گروهی	۳۴۳,۸۸۸	۲۳۱۴		۳۴۰,۴۳۰	۲۶۲۷	
	ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی	بین گروهی	۹۵۰,۳۴۱	۹	۵,۱۳۲*	۱۴۹۹,۱۲۹	۹	۷,۴۹۲*
		درون گروهی	۱۸۵,۱۶۵	۲۳۱۵		۲۰۰,۱۰۲	۲۶۲۷	
	ویژگی‌های شخصیتی	بین گروهی	۲۴۵,۷۶۲	۹	۱,۴۵۸	۴۲۴,۵۸۹	۹	۲,۱۶۲**
		درون گروهی	۱۶۸,۶۰۰	۲۳۱۵		۱۹۶,۳۵۲	۲۶۲۷	
	ویژگی‌های روانی- عاطفی	بین گروهی	۱۵۱۸,۷۶۱	۹	۷,۲۴۴*	۱۹۹۶,۷۴۹	۹	۹,۱۱۴*
		درون گروهی	۲۰۹,۶۶۴	۲۳,۱۵		۲۱۹,۰۹۷	۲۶۲۷	
	موقعیت اقتصادی	بین گروهی	۱۶۳۲,۶۶۴	۹	۴,۱۵۴*	۲۵۰۴,۶۵۵	۹	۷,۴۷۸*
		درون گروهی	۳۹۳,۰۰۲	۲۳۱۵		۳۳۴,۹۴۹	۲۶۲۷	
	ویژگی‌های مذهبی	بین گروهی	۲۲۳۳,۸۱۳	۹	۵,۸۹۹*	۱۰۹۵,۷۴۰	۹	۳,۱۹۲*
		درون گروهی	۳۷۸,۶۵۵	۲۳۱۵		۳۴۳,۳۲۲	۲۶۲۷	
ویژگی‌های جغرافیایی	بین گروهی	۹۶۳۵,۳۶۱	۹	۱۳,۹۵۸*	۱۰۱۹۶,۵۵۰	۹	۱۵,۵۱۵*	
	درون گروهی	۶۹۰,۳۲۱	۲۳۱۵		۶۵۷,۲۱۴	۲۶۲۷		

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی بر حسب گروه جنسی زن و مرد، تفاوت معنادار دارد.

نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها با دو نمونه مستقل^۱ (جدول ۴)، نشان می‌دهد که:

- اهمیت خصوصیات ظاهری در انتخاب همسر در میان دو گروه زنان و مردان با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ دارای تفاوت معنادار است و اهمیت خصوصیات ظاهری در انتخاب همسر برای مردان بیشتر از زنان است.
- اهمیت معیار ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، موقعیت اقتصادی و ویژگی‌های مذهبی در انتخاب همسر برای زنان بیشتر از مردان است.

1. Independent.Samples T Test

- اهمیت ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی- عاطفی و ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر برای زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۴: جدول آزمون تفاوت میانگین‌های معیارهای همسرگزینی بر حسب جنس

متغیر مستقل	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	جنس	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)																																																								
جنس	خصوصیات ظاهری	مرد	۷۳٫۶	۱۸٫۷	۸٫۵۹۴	۴۹۹۴	*،۰۰۰*																																																								
		زن	۶۹٫۰	۱۸٫۷				ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی	مرد	۶۱٫۲	۱۳٫۸	-۶٫۳۲۸	۴۹۹۵	*،۰۰۰*	زن	۶۳٫۸	۱۴٫۴	ویژگی‌های شخصیتی	مرد	۸۴٫۱	۱۳	-۱٫۱۰۶	۴۹۹۵	*،۲۷۱	زن	۸۴٫۵	۱۴	ویژگی‌های روانی- عاطفی	مرد	۸۰٫۸	۱۴٫۷	-۰٫۰۲۱	۴۹۹۵	*،۹۸۳	زن	۸۰٫۸	۱۵٫۱	موقعیت اقتصادی	مرد	۴۸٫۶	۲۰	-۲۷٫۲۴۴	۴۹۹۵	*،۰۰۰*	زن	۶۳٫۴	۱۸٫۵	ویژگی‌های مذهبی	مرد	۷۷٫۲	۱۹٫۷	-۲٫۰۷۱	۴۹۹۵	*،۰۳۸**	زن	۷۸٫۳	۱۸٫۶	ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲
	ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی	مرد	۶۱٫۲	۱۳٫۸	-۶٫۳۲۸	۴۹۹۵	*،۰۰۰*																																																								
		زن	۶۳٫۸	۱۴٫۴				ویژگی‌های شخصیتی	مرد	۸۴٫۱	۱۳	-۱٫۱۰۶	۴۹۹۵	*،۲۷۱	زن	۸۴٫۵	۱۴	ویژگی‌های روانی- عاطفی	مرد	۸۰٫۸	۱۴٫۷	-۰٫۰۲۱	۴۹۹۵	*،۹۸۳	زن	۸۰٫۸	۱۵٫۱	موقعیت اقتصادی	مرد	۴۸٫۶	۲۰	-۲۷٫۲۴۴	۴۹۹۵	*،۰۰۰*	زن	۶۳٫۴	۱۸٫۵	ویژگی‌های مذهبی	مرد	۷۷٫۲	۱۹٫۷	-۲٫۰۷۱	۴۹۹۵	*،۰۳۸**	زن	۷۸٫۳	۱۸٫۶	ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲	*،۴۸۳	زن	۳۶٫۴	۲۶٫۲						
	ویژگی‌های شخصیتی	مرد	۸۴٫۱	۱۳	-۱٫۱۰۶	۴۹۹۵	*،۲۷۱																																																								
		زن	۸۴٫۵	۱۴				ویژگی‌های روانی- عاطفی	مرد	۸۰٫۸	۱۴٫۷	-۰٫۰۲۱	۴۹۹۵	*،۹۸۳	زن	۸۰٫۸	۱۵٫۱	موقعیت اقتصادی	مرد	۴۸٫۶	۲۰	-۲۷٫۲۴۴	۴۹۹۵	*،۰۰۰*	زن	۶۳٫۴	۱۸٫۵	ویژگی‌های مذهبی	مرد	۷۷٫۲	۱۹٫۷	-۲٫۰۷۱	۴۹۹۵	*،۰۳۸**	زن	۷۸٫۳	۱۸٫۶	ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲	*،۴۸۳	زن	۳۶٫۴	۲۶٫۲																
	ویژگی‌های روانی- عاطفی	مرد	۸۰٫۸	۱۴٫۷	-۰٫۰۲۱	۴۹۹۵	*،۹۸۳																																																								
		زن	۸۰٫۸	۱۵٫۱				موقعیت اقتصادی	مرد	۴۸٫۶	۲۰	-۲۷٫۲۴۴	۴۹۹۵	*،۰۰۰*	زن	۶۳٫۴	۱۸٫۵	ویژگی‌های مذهبی	مرد	۷۷٫۲	۱۹٫۷	-۲٫۰۷۱	۴۹۹۵	*،۰۳۸**	زن	۷۸٫۳	۱۸٫۶	ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲	*،۴۸۳	زن	۳۶٫۴	۲۶٫۲																										
	موقعیت اقتصادی	مرد	۴۸٫۶	۲۰	-۲۷٫۲۴۴	۴۹۹۵	*،۰۰۰*																																																								
		زن	۶۳٫۴	۱۸٫۵				ویژگی‌های مذهبی	مرد	۷۷٫۲	۱۹٫۷	-۲٫۰۷۱	۴۹۹۵	*،۰۳۸**	زن	۷۸٫۳	۱۸٫۶	ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲	*،۴۸۳	زن	۳۶٫۴	۲۶٫۲																																				
	ویژگی‌های مذهبی	مرد	۷۷٫۲	۱۹٫۷	-۲٫۰۷۱	۴۹۹۵	*،۰۳۸**																																																								
		زن	۷۸٫۳	۱۸٫۶				ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲	*،۴۸۳	زن	۳۶٫۴	۲۶٫۲																																														
	ویژگی‌های جغرافیایی	مرد	۳۵٫۸	۲۶٫۹	-۰٫۷۰۱	۴۹۹۲	*،۴۸۳																																																								
		زن	۳۶٫۴	۲۶٫۲																																																											

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی بر حسب وضعیت تأهل، تفاوت معنادار دارد.

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۵)، میزان اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های روانی- عاطفی، موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین مردان بر حسب وضعیت تأهل آن‌ها با اطمینان ۹۹ درصد و احتمال خطای کمتر از ۰/۰۱ تفاوت معنادار دارد. در حالی که میزان اهمیت معیار ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی همسرگزینی در بین مردان متأهل و مجرد با اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای کمتر از ۰/۰۵ تفاوت معنادار دارد، مقایسه جفتی گروه‌ها بر اساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت معیار خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های روانی- عاطفی و موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر به‌طور معناداری در بین مردان مجرد نسبت به مردان متأهل و بدون همسر بیشتر است.

- اهمیت معیار ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در همسرگزینی به‌طور معناداری در بین مردان متأهل نسبت به مردان مجرد و بدون همسر بیشتر است. همچنین اهمیت این معیار در بین مردان مجرد نسبت به مردان بدون همسر بیشتر است.

همچنین براساس نتایج جدول ۵، میزان اهمیت معیارهای همسرگزینی در بین زنان برحسب وضعیت تأهل آن‌ها با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ تفاوت معنادار دارد. نتایج مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت معیار خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی- عاطفی و موقعیت اقتصادی در همسرگزینی به‌طور معناداری در بین زنان مجرد نسبت به زنان متأهل و بدون همسر بیشتر است. همچنین اهمیت این معیار در بین زنان متأهل نسبت به زنان بدون همسر بیشتر است.

- اهمیت معیار ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در همسرگزینی به‌طور معناداری در بین زنان متأهل نسبت به زنان مجرد و بدون همسر بیشتر است.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی بر حسب وضعیت تأهل (به تفکیک مردان و زنان)

متغیر مستقل	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	منابع تغییر	مرد			زن		
			میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F
وضعیت تأهل	خصوصیات ظاهری	بین گروهی	۵۲۲۰,۸۰۷	۲	۱۵,۱۴۶*	۱۳۱۵۷,۷۷۳	۲	۳۸,۶۱۸*
		درون گروهی	۳۴۴,۷۱۰	۲۳۳۵		۳۴۰,۷۱۶	۲۶۵۵	
	ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی	بین گروهی	۷۸۲,۸۷۵	۲	۴,۱۳۸**	۷۲۷۷,۸۹۴	۲	۳۶,۲۵۰*
		درون گروهی	۱۸۹,۲۰۵	۲۳۳۵		۲۰۰,۷۷۰	۲۶۵۵	
	ویژگی‌های شخصیتی	بین گروهی	۱۴۴۱,۸۶۹	۲	۸,۵۶۸*	۴۶۶۸,۶۵۹	۲	۲۴,۱۲۵*
		درون گروهی	۱۶۸,۲۸۹	۲۳۳۶		۱۹۳,۵۲۲	۲۶۵۵	
	ویژگی‌های روانی- عاطفی	بین گروهی	۱۷۷۷,۵۲۴	۲	۸,۲۸۳*	۷۷۸۰,۵۵۸	۲	۳۴,۹۹۸*
		درون گروهی	۲۱۴,۶۰۵	۲۳۳۶		۲۲۲,۳۱۶	۲۶۵۵	
	موقعیت اقتصادی	بین گروهی	۱۷۹۳,۸۸۸	۲	۴,۵۰۷*	۱۳۱۳۱,۳۶۸	۲	۳۹,۳۶۴*
		درون گروهی	۳۹۸,۰۳۲	۲۳۳۶		۳۳۳,۵۸۹	۲۶۵۵	

۲۱,۳۹۷*	۲	۷۲۸۳,۵۶۱	۴۹,۷۰۷*	۲	۱۸۴۲۸,۶۲۶	بین گروهی	ویژگی‌های مذهبی
	۲۶۵۵	۳۴۰,۴۰۱		۲۳۳۶	۳۷۰,۷۴۹	درون گروهی	
۱۳۰,۰۱۱*	۲	۸۱۵۷۱,۵۰۲	۱۱۵,۹۷۱*	۲	۷۶۴۹۲,۹۲۴	بین گروهی	ویژگی‌های جغرافیایی
	۲۶۵۴	۶۳۷,۴۱۹		۲۳۳۴	۶۵۹,۵۸۹	درون گروهی	

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های تحصیلی تفاوت معنادار دارد.

براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۶)، میزان اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین مردان برحسب سطح تحصیلات آن‌ها با اطمینان ۹۹ درصد و احتمال خطای کمتر از ۰/۰۱ تفاوت معنادار دارد. درحالی‌که میزان اهمیت معیار ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های روانی- عاطفی همسرگزینی در بین مردان با گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنادار ندارد. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت خصوصیات ظاهری و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی در بین مردان با افزایش سطح تحصیلات، افزایش می‌یابد.
- اهمیت موقعیت اقتصادی در بین کسانی که دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و دیپلم هستند بیشتر از گروه‌های تحصیلی لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر است.
- اهمیت ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر، با افزایش سطح تحصیلات مردان، کاهش می‌یابد.

همچنین براساس نتایج جدول ۶، میزان اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های روانی- عاطفی، موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین زنان برحسب سطح تحصیلات آن‌ها با اطمینان ۹۹/۰ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ تفاوت معنادار دارد؛ و فقط میزان اهمیت ویژگی‌های شخصیتی همسرگزینی در بین زنان با گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنادار ندارد. نتایج مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت معیار خصوصیات ظاهری در بین کسانی که بی‌سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی بودند کمتر از گروه‌های تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم و دانشجو بوده است.

- اهمیت ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و ویژگی‌های روانی- عاطفی در بین کسانی که بی- سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی هستند به‌طور معنادار کمتر از همه گروه‌های تحصیلی به‌جز فوق‌لیسانس و بالاتر بوده است.
- اهمیت معیار موقعیت اقتصادی در بین کسانی که بی‌سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی هستند بیشتر از گروه‌های تحصیلی راهنمایی، دبیرستان، دیپلم، فوق‌دیپلم و دانشجو بوده است.
- اهمیت ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر، با افزایش سطح تحصیلات زنان، کاهش می‌یابد.

جدول ۶: آزمون تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی بر حسب گروه تحصیلی (به تفکیک مردان و زنان)

متغیر مستقل	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	منابع تغییر	مرد			زن		
			F	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	درجه آزادی	میانگین مجذورات
تفاوت	خصوصیات ظاهری	بین گروهی	۳۲۲۴,۱۲۰	۵	۱۲۵۳,۶۶۴	۹,۴۰۸*	۵	۱۲۵۳,۶۶۴
		درون گروهی	۳۴۲,۷۱۱	۲۳۲۷	۳۴۸,۵۶۹		۲۶۴۵	
	ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی	بین گروهی	۱۰۶۹,۵۸۱	۵	۱۶۱۶,۲۳۶	۵,۶۹۱*	۵	۱۶۱۶,۲۳۶
		درون گروهی	۱۸۷,۹۴۵	۲۳۲۸	۲۰۳,۶۸۲		۲۶۴۵	
	ویژگی‌های شخصیتی	بین گروهی	۵۹,۱۵۲	۵	۲۳۰,۳۳۷	۰,۳۵۰	۵	۲۳۰,۳۳۷
		درون گروهی	۱۶۹,۰۹۶	۲۳۲۸	۱۹۶,۹۹۳		۲۶۴۵	
	ویژگی‌های روانی- عاطفی	بین گروهی	۳۸۳,۷۲۵	۵	۱۱۸۴,۵۵۱	۱,۷۸۱	۵	۱۱۸۴,۵۵۱
		درون گروهی	۲۱۵,۴۹۰	۲۳۲۸	۲۲۶,۴۹۶		۲۶۴۵	
	موقعیت اقتصادی	بین گروهی	۱۴۹۶,۷۲۸	۵	۲۰۴۵,۰۶۴	۳,۷۷۳*	۵	۲۰۴۵,۰۶۴
		درون گروهی	۳۹۶,۶۹۰	۲۳۲۸	۳۴۰,۲۹۹		۲۶۴۵	
	ویژگی‌های مذهبی	بین گروهی	۳۶۷۱,۰۸۶	۵	۶۶۹۰,۴۲۷	۱۷,۰۵۶*	۵	۶۶۹۰,۴۲۷
		درون گروهی	۳۷۳,۵۲۹	۲۳۲۸	۳۳۳,۴۳۲		۲۶۴۵	
ویژگی‌های جغرافیایی	بین گروهی	۱۷۳۸۵,۸۴۳	۵	۲۷۳۰۶,۷۹۱	*	۵	۲۷۳۰۶,۷۹۱	
	درون گروهی	۶۸۹,۲۸۸	۲۳۲۶	۶۳۸,۹۹۱		۲۶۴۵		

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف، تفاوت معنادار دارد.

براساس نتایج تحلیل واریانس (جدول ۷) میزان اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین مردان برحسب پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی آن‌ها با اطمینان $0/99$ و احتمال خطای کمتر از $0/01$ تفاوت معنادار دارد. این در حالی است که میزان اهمیت ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی - عاطفی و موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر در بین مردان برحسب پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف تفاوت معنادار ندارد و تقریباً یکسان است. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت خصوصیات ظاهری و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی در بین مردان طبقه پایین نسبت به مردان طبقات متوسط و بالا کمتر است.
- اهمیت ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در بین مردان طبقه پایین نسبت به مردان طبقات متوسط و بالا بیشتر است.
- همچنین براساس نتایج جدول ۷، میزان اهمیت معیارهای ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت اقتصادی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین زنان برحسب پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی آن‌ها در سطح خطای کمتر از $0/01$ تفاوت معنادار دارد. این تفاوت در معیار خصوصیات ظاهری در سطح خطای کمتر از $0/05$ معنادار است. همچنین براساس این نتایج، میزان اهمیت ویژگی‌های روانی - عاطفی همسرگزینی در بین زنان برحسب پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف تفاوت معنادار ندارد. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛
- اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی و موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر در بین زنان طبقه پایین نسبت به زنان طبقات متوسط و بالا کمتر است.
- اهمیت ویژگی‌های شخصیتی در بین زنان طبقه متوسط نسبت به زنان طبقات پایین و بالا بیشتر است. همچنین اهمیت ویژگی‌های شخصیتی در بین زنان طبقه پایین نسبت به زنان طبقه بالا بیشتر است.
- اهمیت ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی انتخاب همسر در بین زنان طبقه پایین نسبت به زنان طبقات متوسط و بالا بیشتر است و همچنین اهمیت این معیار در بین زنان طبقه متوسط نسبت به زنان طبقه بالا بیشتر است.

جدول ۷: آزمون تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی (به تفکیک مردان و زنان)

متغیر مستقل	منابع تغییر و نسبت‌ها (معیارهای همسرگزینی)	منابع تغییر	مرد			زن		
			میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	خصوصیات ظاهری	بین گروهی	۳۳۵۷,۹۲۵	۲	۹,۷۰۴*	۱۲۸۹,۲۴۵	۲	۳,۶۸۳**
		درون گروهی	۳۴۶,۰۲۴	۲۳۲۸		۳۵۰,۰۳۵	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی	بین گروهی	۱۱۴۳,۸۷۶	۲	۶,۰۴۸*	۱۳۸۶,۸۷۵	۲	۶,۷۵۲*
		درون گروهی	۱۸۹,۱۴۶	۲۳۲۹		۲۰۵,۴۱۶	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های شخصیتی	بین گروهی	۳۹۸,۹۷۹	۲	۲,۳۶۱	۱۵۰۵,۷۲۲	۲	۷,۶۸۸*
		درون گروهی	۱۶۹,۰۱۹	۲۳۲۹		۱۹۵,۸۵۷	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های روانی - عاطفی	بین گروهی	۳۲۶,۸۰۲	۲	۱,۵۱۳	۲۶۰,۴۷۴	۲	۱,۱۴۲
		درون گروهی	۲۱۵,۹۳۱	۲۳۲۹		۲۲۸,۰۲۴	۲۶۵۲	
	موقعیت اقتصادی	بین گروهی	۲۶۹,۷۶۷	۲	۰,۶۷۵	۲۲۹۱,۵۷۸	۲	۶,۷۰۱*
		درون گروهی	۳۹۹,۵۴۰	۲۳۲۹		۳۴۱,۹۹۹	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های مذهبی	بین گروهی	۲۲۳۴۱,۱۰۲	۲	*	۱۳۷۵۴,۲۹۲	۲	۴۰,۹۹۴*
		درون گروهی	۳۶۶,۱۳۷	۲۳۲۹	۶۱,۰۱۸	۳۳۵,۵۲۰	۲۶۵۲	
ویژگی‌های جغرافیایی	بین گروهی	۲۱۱۸۰,۴۴۱	۲	*	۲۷۱۶۶,۵۵۶	۲	۴۰,۶۱۵*	
	درون گروهی	۷۰۶,۵۱۸	۲۳۲۶	۲۹,۹۷۹	۶۶۸,۸۷۸	۲۶۵۱		

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های قومی، تفاوت معنادار دارد.

با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۸) می‌توان دریافت که بین قومیت مردان با معیارهای همسرگزینی با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱، تفاوت معنادار وجود دارد، لازم به ذکر است رابطه بین قومیت مردان با معیار ویژگی‌های شخصیتی همسرگزینی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۰/۹۵ معنادار است. نتایج آزمون توکی جهت بررسی تفاوت معنادار معیارهای همسرگزینی برحسب قومیت مردان به شرح زیر است:

- در بین آذری‌ها اهمیت معیار خصوصیات ظاهری در همسرگزینی به‌طور معناداری نسبت به فارس‌ها، لرها، عرب‌ها کمتر است.

- ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی و موقعیت اقتصادی همسرگزینی به‌طور معناداری برای گیلک‌ها نسبت به همه اقوام مهم‌تر است.
- در بین سایر اقوام (شامل: ارمنی‌ها، خوانساری‌ها، نجمی‌ها، گرجی‌ها، زابلی‌ها، سیستانی‌ها و لکی‌ها)، اهمیت ویژگی‌های شخصیتی به‌طور معناداری نسبت به آذری‌ها، کردها، لرها، بلوچ‌ها بیشتر است.
- اهمیت ویژگی‌های روانی - عاطفی به‌طور معناداری در بین عرب‌ها نسبت به آذری‌ها، گیلک‌ها، بلوچ‌ها در همسرگزینی بیشتر است. همچنین در بین سایر اقوام اهمیت ویژگی‌های روانی - عاطفی به‌طور معناداری نسبت به فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، گیلک‌ها و بلوچ‌ها بیشتر است.
- ویژگی‌های مذهبی به‌طور معناداری برای همه قومیت‌ها به‌جز تالشی‌ها نسبت به لرها در همسرگزینی مهم‌تر است. همچنین در بین سایر اقوام اهمیت ویژگی‌های مذهبی به‌طور معناداری نسبت به همه قومیت‌ها به‌جز بلوچ‌ها و عرب‌ها بیشتر است.
- ویژگی‌های جغرافیایی به‌طور معناداری برای بلوچ‌ها نسبت به همه قومیت‌ها به‌جز تالشی‌ها و سایر در همسرگزینی مهم‌تر است.
- نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۸) نشان می‌دهد که بین قومیت زنان با معیارهای همسرگزینی در سطح اطمینان ۰/۹۹ تفاوت معناداری وجود دارد و فقط رابطه بین قومیت زنان با معیار خصوصیات ظاهری همسرگزینی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۰/۹۵ معنادار است مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛
- در بین زنان گیلک اهمیت معیار خصوصیات ظاهری در همسرگزینی به‌طور معناداری نسبت به آذری‌ها بیشتر است. همچنین ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی به‌طور معناداری برای زنان گیلک نسبت به همه اقوام به‌جز تالشی‌ها و سایر در همسرگزینی مهم‌تر است.
- در بین زنان بلوچ اهمیت ویژگی‌های شخصیتی به‌طور معناداری نسبت به گیلک‌ها و عرب‌ها کمتر است. همچنین در بین زنان بلوچ اهمیت ویژگی‌های روانی - عاطفی به‌طور معناداری نسبت به لرها و عرب‌ها کمتر است.
- معیار موقعیت اقتصادی به‌طور معناداری برای گیلک‌ها نسبت به همه اقوام به‌جز تالشی‌ها و سایر در همسرگزینی مهم‌تر است. همچنین معیار موقعیت اقتصادی به‌طور معناداری برای تالشی‌ها نسبت به فارس‌ها، آذری‌ها و لرها در همسرگزینی مهم‌تر است.

- ویژگی‌های مذهبی به‌طور معناداری برای زنان فارس و عرب نسبت به زنان لر در همسرگزینی مهم‌تر است. همچنین در بین زنان کرد اهمیت ویژگی‌های مذهبی به‌طور معناداری نسبت به آذری‌ها و لرها بیشتر است.
- ویژگی‌های جغرافیایی به‌طور معناداری برای آذری‌ها نسبت به فارس‌ها، گیلک‌ها و عرب‌ها در همسرگزینی مهم‌تر است. همچنین این ویژگی‌ها برای کردها نسبت به فارس‌ها و گیلک‌ها مهم‌تر است. برای بلوچ‌ها نیز ویژگی‌های جغرافیایی نسبت به فارس‌ها، کردها، لرها، گیلک‌ها و عرب‌ها در همسرگزینی مهم‌تر است.

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی برحسب گروه قومی (به تفکیک مردان و زنان)

زن			مرد			منابع تغییر	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	متغیر مستقل
F	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	درجه آزادی	میانگین مجذورات			
۲,۴۸۷**	۸	۸۶۶,۶۷۳	۴,۱۶۶*	۸	۱۴۳۶,۷۱۹	بین گروهی	خصوصیات ظاهری	تفاوت
	۲۶۴۷	۳۴۸,۵۱۱		۲۳۲۳	۳۴۴,۸۳۹	درون گروهی		
۱۶,۴۶۷*	۸	۳۲۴۳,۲۴۷	۷,۶۶۴*	۸	۱۴۲۲,۸۴۰	بین گروهی	ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی	
	۲۶۴۷	۱۹۶,۹۵۶		۲۳۲۴	۱۸۵,۶۴۹	درون گروهی		
۳,۰۱۶*	۸	۵۹۰,۵۲۸	۲,۵۱۳**	۸	۴۲۲,۴۸۴	بین گروهی	ویژگی‌های شخصیتی	
	۲۶۴۷	۱۹۵,۷۸۷		۲۳۲۴	۱۶۸,۱۲۴	درون گروهی		
۳,۲۱۳*	۸	۷۲۷,۸۱۸	۵,۷۱۷*	۸	۱۲۱۴,۰۹۱	بین گروهی	ویژگی‌های روانی-عاطفی	
	۲۶۴۷	۲۲۶,۵۴۹		۲۳۲۴	۲۱۲,۳۷۸	درون گروهی		
۲۳,۳۰۹*	۸	۷۴۹۶,۹۰۳	۱۳,۷۴۲*	۸	۵۲۵۸,۸۲۸	بین گروهی	موقعیت اقتصادی	
	۲۶۴۷	۳۲۱,۶۲۹		۲۳۲۴	۳۸۲,۶۸۲	درون گروهی		
۳,۷۷۰*	۸	۱۲۹۳,۱۰۷	۹,۴۵۱*	۸	۳۵۴۷,۸۸۳	بین گروهی	ویژگی‌های مذهبی	
	۲۶۴۷	۳۴۳,۰۱۳		۲۳۲۴	۳۷۵,۳۸۷	درون گروهی		
۹,۹۸۷*	۸	۶۶۹۶,۱۵۶	۶,۱۲۲*	۸	۴۳۶۶,۳۱۱	بین گروهی	ویژگی‌های جغرافیایی	
	۲۶۴۷	۶۷۰,۵۱۰		۲۳۲۲	۷۱۳,۱۷۸	درون گروهی		

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های سنتی و مدرن همسرگزینی تفاوت معنادار دارد.

جهت‌گیری مفهومی متغیر شیوه همسرگزینی شامل شیوه همسرگزینی سنتی و شیوه همسرگزینی مدرن است. براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۹)، بین متغیر شیوه

همسرگزینی مردان با معیارهای همسرگزینی آنها رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۹ و با سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. لازم به ذکر است این رابطه تنها در اهمیت خصوصیات ظاهری همسرگزینی برحسب شیوه همسرگزینی مردان معنادار نیست. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های مذهبی، ویژگی‌های جغرافیایی و موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر برای مردانی که به شیوه مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به مردانی که به شیوه بینابین و سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است.

- اهمیت معیار ویژگی‌های روانی- عاطفی همسرگزینی در بین مردانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به مردانی که به شیوه مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند بیشتر است.

براساس نتایج تحلیل واریانس (جدول ۹) بین متغیر شیوه همسرگزینی زنان با معیارهای همسرگزینی رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۹ و خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. لازم به ذکر است تنها ویژگی‌های روانی- عاطفی انتخاب همسر برحسب شیوه همسرگزینی زنان تفاوت معنادار ندارد و وجود رابطه بین این دو متغیر رد می‌شود. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت موقعیت اقتصادی و خصوصیات ظاهری در همسرگزینی در بین زنانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنانی که به شیوه بینابین و مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است.

- اهمیت ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در همسرگزینی در بین زنانی که به شیوه مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنانی که به شیوه بینابین همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است. همچنین اهمیت این معیارها در بین زنانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنانی که به شیوه بینابین همسرگزینی اعتقاد داشتند بیشتر است.

- اهمیت ویژگی‌های شخصیتی در همسرگزینی در بین زنانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنانی که به شیوه بینابین و مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند بیشتر است. همچنین اهمیت این معیار در بین زنانی که به شیوه مدرن

همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنانی که به شیوه بینابین همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است.

جدول ۹: تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های مدرن و سنتی همسرگزینی (به تفکیک مردان و زنان)

متغیر مستقل	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	منابع تغییر	مرد		زن		
			میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی
شیوه همسرگزینی	خصوصیات ظاهری	بین گروهی	۴۷۷,۸۹۲	۲	۱,۳۶۹	۲۵۰۵,۴۲۴	۲
		درون گروهی	۳۴۹,۱۹۹	۲۳۳۲		۳۴۸,۶۸۹	۲۶۵۲
	ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی	بین گروهی	۲۸۱۵,۹۵۶	۲	۱۵۰۰۵*	۸۷۱,۳۹۸	۲
		درون گروهی	۱۸۷,۶۷۳	۲۳۳۳		۲۰۵,۸۰۰	۲۶۵۲
	ویژگی‌های شخصیتی	بین گروهی	۳۸۴۸,۹۵۰	۲	۲۳,۱۲۲*	۱۷۲۹,۱۳۹	۲
		درون گروهی	۱۶۶,۳۹۰	۲۳۳۳		۱۹۵,۸۰۱	۲۶۵۲
	ویژگی‌های روانی-عاطفی	بین گروهی	۱۰۱۶,۷۱۶	۲	۴,۷۲۰*	۶۴۶,۵۰۸	۲
		درون گروهی	۲۱۵,۴۱۸	۲۳۳۳		۲۲۷,۷۱۲	۲۶۵۲
	موقعیت اقتصادی	بین گروهی	۲۰۶۵,۰۱۹	۲	۵,۱۹۳*	۱۴۹۴,۲۵۴	۲
		درون گروهی	۳۹۷,۶۷۶	۲۳۳۳		۳۴۲,۳۷۰	۲۶۵۲
	ویژگی‌های مذهبی	بین گروهی	۵۷۷۳۸,۰۵۰	۲	۱۷۱,۷۱۶*	۴۸۴۳۸,۹۳۵	۲
		درون گروهی	۳۳۶,۲۴۲	۲۳۳۵		۳۰۸,۳۷۳	۲۶۵۲
	ویژگی‌های جغرافیایی	بین گروهی	۲۰۱۰۳,۸۶۳	۲	۷۸,۴۷۷*	۱۹۳۵۷,۹۷۵	۲
		درون گروهی	۷۰۶,۷۰۳	۲۳۳۰		۶۷۴,۴۹۲	۲۶۵۱

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های مذهبی، تفاوت معنادار دارد.

جهت‌گیری مفهومی متغیر تقید مذهبی شامل تقید مذهبی کم، متوسط و زیاد است. براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس (جدول ۱۰)، بین میزان تقید مذهبی مردان و اهمیت

خصوصیات ظاهری برای همسرگزینی آنان با توجه به سطح خطای بیشتر از ۰/۰۵ رابطه معنادار وجود ندارد؛ یعنی میزان تقید مذهبی مردان نقشی در میزان اهمیت خصوصیات ظاهری در انتخاب همسر ندارد. بین میزان تقید مذهبی مردان و معیارهای آن‌ها برای انتخاب همسر شامل؛ «ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی - عاطفی، موقعیت اقتصادی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی» رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۹ و خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛

- اهمیت ویژگی‌های روانی - عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی همسرگزینی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین مردانی که تقید مذهبی زیادی داشتند نسبت به مردانی که تقید مذهبی بینابین و کم داشتند، مهم‌تر است. همچنین اهمیت این معیارها در بین مردانی که تقید مذهبی بینابین داشتند نسبت به مردانی که تقید مذهبی کم داشتند بیشتر است.
 - اهمیت ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی همسرگزینی در بین مردانی که تقید مذهبی بینابین داشتند نسبت به مردانی که تقید مذهبی کم داشتند، مهم‌تر است.
 - اهمیت موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر برای مردانی که تقید مذهبی کمی داشتند نسبت به مردانی که تقید مذهبی بینابین و زیاد داشتند، مهم‌تر است. همچنین اهمیت این معیارها در بین مردانی که تقید مذهبی بینابین داشتند نسبت به مردانی که تقید مذهبی زیادی داشتند بیشتر است.
- براساس نتایج تحلیل واریانس (جدول ۱۰) بین متغیر میزان تقید مذهبی زنان و اهمیت خصوصیات ظاهری برای همسرگزینی آنان رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۵ و خطای کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. همچنین بین میزان تقید مذهبی زنان و میزان اهمیت سایر معیارهای آن‌ها برای انتخاب همسر رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۹ و خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. مقایسه جفتی گروه‌ها براساس آزمون توکی نشان می‌دهد که؛
- اهمیت خصوصیات ظاهری و موقعیت اقتصادی در همسرگزینی در بین زنانی که تقید مذهبی کم داشتند نسبت به زنانی که تقید مذهبی بینابین و زیاد داشتند بیشتر است.
 - اهمیت ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی - عاطفی، ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در همسرگزینی در بین زنانی که تقید مذهبی زیادی داشتند نسبت به زنانی که تقید مذهبی بینابین و کم داشتند بیشتر است.

همچنین اهمیت این معیار در بین زنانی که تقید مذهبی بینابین داشتند نسبت به زنانی که تقید مذهبی کم داشتند، بیشتر است.

جدول ۱۰: تحلیل واریانس معیارهای همسرگزینی برحسب گروه‌های مذهبی (به تفکیک مردان و زنان)

متغیر مستقل	متغیر وابسته (معیارهای همسرگزینی)	منابع تغییر	مرد			زن		
			میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F
میزان تقید مذهبی	خصوصیات ظاهری	بین گروهی	۳۳۲۶,۸۷۵	۲	۱,۱۱۴	۱۸۶۵,۸۷۴	۲	۴,۳۵۲**
		درون گروهی	۳۵۴,۹۰۰	۲۳۳۳		۳۶۵,۲۴۳	۲۶۵۱	
	ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی	بین گروهی	۹۸۹,۳۴۱	۲	۱۹,۱۵۰*	۱۵۴۴,۲۸۴	۲	۱۷,۱۶۲*
		درون گروهی	۲۰۰,۶۵۱	۲۳۳۲		۱۶۸,۱۰۲	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های شخصیتی	بین گروهی	۳۸۸۹,۱۵۸	۲	۱۳,۸۰۰*	۳۰۹۵,۲۵۶	۲	۱۲,۹۲۲*
		درون گروهی	۴۵۸,۸۵۷	۲۳۳۳		۳۹۸,۴۷۳	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های روانی-عاطفی	بین گروهی	۸۷۳۲,۹۵۴	۲	۱۱,۶۲۰*	۳۵۱۱,۸۵۴	۲	۱۳,۱۴۸*
		درون گروهی	۴۸۸,۷۸۹	۲۳۳۳		۳۹۹,۴۵۴	۲۶۵۲	
	موقعیت اقتصادی	بین گروهی	۱۸۹۵,۰۸۱	۲	۱۸,۶۹۵*	۱۶۵۲,۱۵۸	۲	۱۶,۷۳۲*
		درون گروهی	۳۸۵,۸۶۸	۲۳۳۳		۳۷۹,۳۵۲	۲۶۵۲	
	ویژگی‌های مذهبی	بین گروهی	۴۳۶۶,۳۱۱	۲	۹۵,۶۸۸*	۵۹۹۶,۵۳۲	۲	۸۰,۱۲۷*
		درون گروهی	۷۱۳,۱۷۸	۲۳۳۴		۵۱۰,۱۸۰	۲۶۵۰	
ویژگی‌های جغرافیایی	بین گروهی	۱۹۱۵۴,۸۵۰	۲	۱۶,۹۵۸*	۱۷۳۵۶,۷۸۵	۲	۱۳,۱۲۹*	
	درون گروهی	۳۸۸,۲۵۸	۲۳۳۲		۳۵۰,۴۷۲	۲۶۵۲		

* معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ است. ** معناداری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است.

نتیجه‌گیری

طبق نتایج توصیفی پژوهش میزان اهمیت پاسخگویان به هر کدام از معیارهای همسرگزینی در یک بازه ۰ تا ۱۰۰، به ترتیب اولویت عبارت است از: ویژگی‌های شخصیتی (میانگین ۸۴/۲۹)، ویژگی‌های عاطفی - روانی (میانگین ۸۰/۸۲)، ویژگی‌های مذهبی (میانگین ۷۷/۸۱)، ویژگی‌های ظاهری (میانگین ۷۱/۱)، ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی (میانگین ۶۲/۵۷)، موقعیت اقتصادی (میانگین ۵۶/۴۶) و ویژگی‌های جغرافیایی (میانگین ۳۶/۱). همچنان‌که از این نتایج برمی‌آید، امروزه ملاک‌هایی شخصیتی نظیر باگذشت بودن، عفت و پاکدامنی، سخاوتمند بودن، قابل‌اعتماد بودن، منظم بودن، متواضع بودن، منطقی بودن، شجاع بودن، صداقت، کم‌توقعی، لجباز نبودن و وجود ملاک‌های روانی-عاطفی؛ همچون آرام

بودن، اعتماد به نفس داشتن، خوش خلق بودن، وجود عشق و علاقه قبل از ازدواج و خوش معاشرت بودن بیشترین اهمیت را یافته است. از آن سو نیز ملاک‌های اقتصادی و جغرافیایی کمترین اهمیت را دارند؛ بنابراین افراد به خانواده و ازدواج نه به منزله‌ی یک نهاد سنتی که در آن امنیت اقتصادی و جانی را تأمین می‌کند بلکه به منزله‌ی یک نهاد مدرن نگاه می‌کنند که زن و شوهر هر دو در امور خانواده و حتی درآمد آن سهیم‌اند و خانواده و ازدواج جایی برای تحقق برابری جنسیتی است.

نتایج حاصل از یافته‌های استنباطی (آزمون تجربی فرضیات تحقیق) بدین شرح است: براساس نتایج حاصل از تأثیر سن بر معیارهای همسرگزینی، هرچه سن افراد کمتر باشد اولویت معیارهای فرامادی در او بیشتر است. این در حالی است که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، آینده‌نگری آن‌ها افزایش یافته و به معیارهای گسترده‌تری از جمله پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد مورد نظر برای ازدواج توجه بیشتری می‌نمایند. بیان تئوریک این تغییرات بر حسب سن انسان در بسیاری نظریات جامعه‌شناختی از جمله نظریه عادت‌واره بوردیو تشریح شده است.

آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که اهمیت خصوصیات ظاهری در انتخاب همسر برای مردان بیشتر از زنان است و از آن سو اهمیت ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، موقعیت اقتصادی و ویژگی‌های مذهبی برای زنان بیشتر از مردان است. همچنین اهمیت ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی- عاطفی و ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر برای زنان و مردان تفاوت معنادار ندارد و یکسان است؛ بنابراین در راستای نظریات کارول (۲۰۱۱) و کارول و همکاران (۲۰۱۲) مردان بیشتر به دنبال معیارهای جسمانی و زنان به دنبال معیارهای اجتماعی- اقتصادی هستند. تأکید بر روی معیارهای درونی در بین زنان و مردان دیده می‌شود، اما در معیارهای بیرونی تفاوت‌های بیشتری قابل مشاهده است. علاوه بر این معیارهای شخصیتی، روانی- عاطفی و جغرافیایی اشتراک جنسیتی بیشتری دارد.

طبق آزمون فرضیه سوم، اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و موقعیت اقتصادی در بین افراد مجرد نسبت به افراد متأهل بیشتر است.

آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات میزان اهمیت خصوصیات ظاهری و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی افزایش می‌یابد و با افزایش تحصیلات میزان اهمیت موقعیت اقتصادی و ویژگی‌های جغرافیایی در انتخاب همسر کاهش می‌یابد. در حالی که میزان اهمیت معیار ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های روانی- عاطفی همسرگزینی در

بین مردان با گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنادار ندارد، همچنین میزان اهمیت ویژگی‌های شخصیتی همسرگزینی در بین زنان با گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنادار ندارد و یکسان است؛ بنابراین در راستای نظریه بورديو تحصیلات عامل شکل‌گیری عادت‌واره‌های افراد در ازدواج است. از نظر بورديو تجمع سرمایه‌ی فرهنگی در حالت متجسد (عادت‌واره)، به معنی حالتی است که در آن فرهنگ و تحصیلات درونی می‌شود و تمایلات افراد را شکل می‌دهد.

آزمون فرضیه چهارم نشان داد که میزان اهمیت خصوصیات ظاهری، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و ویژگی‌های جغرافیایی همسرگزینی در بین افراد برحسب پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی تفاوت معنادار دارد. چراکه در هر پایگاه اجتماعی- اقتصادی سبک زندگی خاصی حاکم است که معیارهای خود را در امورمانند ازدواج، همسرگزینی و خصوصیات همسر مطلوب در میان افراد آن پایگاه نهادینه می‌کند. از نظر رویکردهای عمدتاً مارکسیستی، طبقه اجتماعی افراد عاملی مؤثر در شکل‌دهی فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌های آن‌هاست.

همچنین بین معیارهای همسرگزینی افراد برحسب قومیت تفاوت معنادار وجود دارد، به عبارت دیگر این‌که افراد به کدام قومیت در ایران تعلق دارند می‌تواند تبیین‌کننده معیارهای آن‌ها در انتخاب همسر باشد؛ بنابراین تفاوت قومیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده‌ای که افراد در آن به دنیا آمده و دوران جامعه‌پذیری خود را در آن گذرانده‌اند، تفاوت معنادار در معیارهای همسرگزینی آن‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند؛

همچنین رابطه بین شیوه همسرگزینی (مدرن یا سنتی) با معیارهای همسرگزینی تأیید می‌گردد. بدین ترتیب که اهمیت معیارهای ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های جغرافیایی در همسرگزینی به‌طور معناداری در بین زنان و مردانی که به شیوه مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنان و مردانی که به شیوه بینابین و سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است. نکته جالب‌توجه در نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که اهمیت معیار موقعیت اقتصادی در همسرگزینی در بین مردانی که به شیوه مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به مردانی که به شیوه بینابین و سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است، درحالی‌که این معیار در بین زنانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر است. همچنین اهمیت معیار خصوصیات ظاهری در بین زنانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به زنانی که به

شیوه بینابین و مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند کمتر گزارش شده است و در نهایت اهمیت معیار ویژگی‌های روانی-عاطفی در همسرگزینی به‌طور معناداری در بین مردانی که به شیوه سنتی همسرگزینی اعتقاد داشتند نسبت به مردانی که به شیوه مدرن همسرگزینی اعتقاد داشتند بیشتر است.

آزمون فرضیه پایانی تحقیق بیانگر تفاوت معنادار معیارهای انتخاب همسر برحسب میزان تقید مذهبی افراد است. تنها میزان تقید مذهبی مردان نقشی در میزان اهمیت خصوصیات ظاهری در انتخاب همسر ندارد و یکسان است. بر این اساس، اهمیت ویژگی‌های روانی - عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی، ویژگی‌های مذهبی و جغرافیایی همسرگزینی در بین افراد که تقید مذهبی زیادی داشتند نسبت به افرادی که تقید مذهبی کم دارند، مهم‌تر است و اهمیت موقعیت اقتصادی در انتخاب همسر برای افرادی که تقید مذهبی کمتری دارند نسبت به افرادی که تقید مذهبی بینابین و زیاد دارند، مهم‌تر است؛ بنابراین تغییر نظام معنایی و افزایش فردگرایی سکولار به‌عنوان نیروی مهم و تأثیرگذار بر تغییرات ارزشی و رفتاری در انتخاب همسر مؤثر است.

منابع

- حبیب‌پور، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۹(۱): ۳۴-۷.
- دراهکی، احمد و محمودیان، حسین (۱۳۹۱). «تأخیر در ازدواج: انطباق یا بحران؟ نگاهی واکا وانه به سن ایده‌آل ازدواج دانشجویان تحصیلات تکمیلی»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۷(۱۳): ۷۳-۹۴.
- رزاقی نصرآباد، حجیه بی‌بی؛ و فلاح نژاد، لیلا (۱۳۹۶). «تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه شهر هشتگرد)». مطالعات راهبردی زنان، ۱۹(۷۵): ۶۳-۸۴.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱(۲): ۶۰-۳۷.
- سرایبی، حسن؛ و اوجاقلو، سجاد (۱۳۹۲). «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان)». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴): ۱۹-۴۲.
- عباسی شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴). «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، ۱۳(۱): ۴۷-۲۵.
- عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۸). «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۴): ۳۶-۷.
- عنایت، حلیمه؛ نجفی اصل، عبدالله؛ و زارع، صادق (۱۳۹۲). «بررسی عوامل موثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متأهل طلاق نگرفته)». فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۳): ۱-۳۵.
- کفاشی، مجید؛ و سرآبادانی، سمیه (۱۳۹۳). «عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه‌دار و شاغل شهر قم». فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۳(۵): ۱۲۵-۱۵۳.
- محمودیان، حسین و دراهکی، احمد (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر وضعیت ازدواج دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران»، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۴(۶۲): ۱۰۳-۱۳۱.
- Abbasi-Shavazi M. J., McDonald, P. and Hosseini-Chavoshi, M. (2008a). *The Family and Social Change in Post-Revolutionary Iran.* In K. M Yount and H. Rashad (eds), *Family in the Middle East: Ideational Change in Egypt, Iran, and Tunisia*, New York: Routledge. Pp. 217-235.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P. (2008). "Family change in Iran: Religion, revolution, and the state". *International family change: Ideational perspectives*, 177-198.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., Hossein Chavoshi, M. (2003). *Changes in family, fertility behavior and attitudes in Iran*. Working Paper in Demography, 88, Canberra: The Australian National University.

- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., Hosseini-Chavoshi, M. (2008b). "Modernization or cultural maintenance: the practice of consanguineous marriage in Iran". *Journal of biosocial science*, 40(6), 911-933.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Harvard university press.
- Carroll, J. (2011). *Reading human nature: Literary Darwinism in theory and practice*. SUNY Press.
- Carroll, J., Gottschall, J., Johnson, J. A., Kruger, D. J. (2012). *Graphing Jane Austen: The evolutionary basis of literary meaning*. Springer.
- Casterline, J. B., Williams, L., McDonald, P. (1986). "The age difference between spouses: variations among developing countries". *Population studies*, 40(3), 353-374.
- Gebel, M., Heyne, S. (2016). "Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan", *Research in Social Stratification and Mobility*, 46, 61-72.
- Goode, W. J. (1963 a). "Industrialization and family change". *Industrialization and society*, 237-59.
- Goode, W. J. (1963 b). *World revolution and family patterns*.
- Greenwood, J., Guner, N. (2008). "Marriage and divorce since World War II: analyzing the role of technological progress on the formation of households". *NBER Macroeconomics Annual*, 23(1), 231-276.
- Greenwood, J., Guner, N., Knowles, J. A. (2003). "More on marriage, fertility, and the distribution of income". *International Economic Review*, 44(3), 827-862.
- Greenwood, J., Guner, N., Kocharkov, G., Santos, C. (2016). "Technology and the changing family: A unified model of marriage, divorce, educational attainment, and married female labor-force participation". *American Economic Journal: Macroeconomics*, 8(1), 1-41.
- Inglehart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton University Press.
- Inglehart, R., Abramson, P. R. (1994). "Economic security and value change". *American Political Science Review*, 88(2), 336-354.
- Inglehart, R., Baker, W. E. (2000). "Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values". *American sociological review*, 19-51.
- Jensen, R., Thornton, R. (2003). "Early female marriage in the developing world". *Gender & Development*, 11(2), 9-19.
- Jones, G. (2010). *Changing marriage patterns in Asia*. Asia Research Institute & Department of Sociology, National University of Singapore, Working Paper Series No. 131.
- Lauder, H., Brown, P., Dillabough, J. A., Halsey, A. H. (2006). *Education, globalization, and social change*. Oxford University Press.
- Lesthaeghe, R. (1995), *The Second Demographic Transition in Western Countries: An Interpretation*, Pp.17-61, In K. O. Mason & A-M. Jensen (ed.s), *Gender and Family Change in Industrial Countries*, Oxford: Clarendon Press.
- Mensch, B. S., Singh, S., Casterline, J. B. (2005). "Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world". *The changing transitions to adulthood in developing countries: Selected studies*, 71-118.

- Minguela, A. D. (2011). "Mating (marriage) patterns and economic development". *The History of the Family*, 16(4), 312-330.
- Moro, A., Moslehi, S., & Tanaka, S. (2017). "Marriage and Economic Development in the Twentieth Century". *Journal of Demographic Economics*, 83(4), 379-420.
- Nai Peng, T. (2007). "Trends in delayed and non-marriage in Peninsular Malaysia". *Asian Population Studies*, 3(3), 243-261.
- Quisumbing, A. R., Hallman, K. (2005). "Marriage in transition: Evidence on age, education, and assets from six developing countries". *The changing transitions to adulthood in developing countries: Selected studies*, 200-269.
- Thornton, A. (2001). "The developmental paradigm, reading history sideways, and family change". *Demography*, 38(4), 449-465.
- Van de Kaa, D. J. (1987). "Europe's second demographic transition". *Population bulletin*, 42(1), 1-59.
- Van de Kaa, D. J. (2001). "Postmodern fertility preferences: from changing value orientation to new behavior". *Population and Development Review*, 27, 290-331.